

## معیارهای شناختی حل اخلاقی برادران دروغین «استقلال» و «استبداد» قضات براساس منابع دینی

\* عباس عبدی

\*\* محمدرضا جواهری

\*\*\* ناهید مشایی

### چکیده

استقلال قضات در داوری، فرآیند مهمی است که در اصل صد و پنجاه و ششم قانون اساسی بدان اشاره شده است. مسئله اصلی این پژوهش حل اخلاقی برادران دروغین استقلال و استبداد در قضاوت است. قضات در زمان تصمیم‌گیری و صدور حکم، گاهی دچار تحیر میان آن دو می‌گردند که تنها با شناخت ماهیت و معیارهای تمایز آنها قابل حل است. حل این چالش اخلاقی، در حوزه‌های دیگری نیز قابل طرح است ولی براساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، حوزه «شناختی» (داده‌سازی و داده‌پردازی‌های وابسته) اهمیت مبنایی دارد. آثار نوشته شده در این زمینه به استقلال قاضی، عدالت قضایی، آداب القضا و یا استبداد سیاسی پرداخته‌اند که فاقد شناخت و بررسی آن دو از حیث اخلاقی‌اند. این پژوهش تا حد امکان معیار، نشانه و مصداق استقلال و استبداد را در این حوزه، بیان کرده است تا قضات در موقعیتی که پیش می‌آید توانایی خروج از این تحیر و سردرگمی اخلاقی را داشته باشد.

### واژگان کلیدی

استقلال، استبداد، قضات، داده‌سازی، داده‌پردازی، برادران دروغین، منابع دینی.

shooroogh@chmail.ir

javaheri@ferdowsi.um.ac.ir

mashaee-n@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۱۷

\*. دانشجوی دکتری معارف دانشگاه فردوسی مشهد.

\*\* استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد.

\*\*\* استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۱

## ۱. طرح مسئله

استقلال قضات در فرآیند داوری بخش مهمی است که علاوه بر تأکید فقهی و اخلاقی، در اصل صد و پنجاه و ششم قانون اساسی هم بدان اشاره شده است. استقلال و استبداد در استعمال معاصر، مقابل هم به کار رفته است. استقلال بخاطر دارا بودن عزت نفس، خودباوری و کمالات شخصیتی و فقدان وابستگی به دیگران، دارای ارزش ذاتی است ولی استبداد، بخاطر فقدان مشورت و قبول نکردن منع دیگران (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶/ ۲۱۸۵) معنای ضد ارزشی دارد.

برادران دروغین در مکتب دانشمندان ایران باستان، تعبیری اخلاقی است که در آن ردایی که به بعضی از فضائل شباهت گمراه کننده‌ای دارند مورد بررسی قرار می‌گیرند. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۳: ۲۱۵) مانند اسراف که برادر دروغین بخشندگی است. (تفضلی، ۱۳۷۷: ۱۸۵؛ مسکویه، ۱۳۵۸: ۲۹) پژوهش حاضر در پی بررسی و مقایسه دو برادر دروغین استقلال و استبداد رأی در حوزه شناختی (داده‌سازی و داده‌پردازی‌های وابسته) است. یافته‌های این پژوهش، داوری قاطعانه بدون خودرایی را برای قضات - چه در عرصه قضایی و چه عرصه‌های مشابه آن - مشخص و یا تسهیل می‌کند.

مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو، این است که گاهی داوران، برای حفظ استقلال رأی، دچار استبداد می‌شوند که بخاطر فقدان تمییز بین آن دو پیش می‌آید. تمایز این دو، گاهی مسئله‌ای شناختی است که جز با شناخت ماهیت استقلال و استبداد میسر نمی‌شود. باورها تأثیر مهمی بر گرایش‌ها و رفتارها داشته و حد و مرز آنها را مشخص می‌کنند. با تمییز استقلال از استبداد، تمام یا بیشتر راهکارهای مربوط به این حوزه روشن می‌گردد. برای تحصیل این تمایز، رهنمودهای قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند بهترین راهگشا باشد. این پژوهش توصیفی - تحلیلی، با مطالعات قرآنی و حدیثی و مراجعه به منابع معتبر در کتابخانه، در طریق استنباط راهکارهای دینی در حوزه شناختی جهت برون‌رفت از استبداد در داوری قرار دارد. حوزه شناخت وظیفه بررسی داده‌سازی و داده‌پردازی‌های وابسته در رابطه با قضاوت را به عهده دارد و پژوهش پیش‌رو، به این سؤال اصلی پاسخ خواهد داد که معیارهای شناختی حل اخلاقی برادران دروغین استقلال و استبداد قضات براساس منابع دینی چیست؟

گرچه کتاب‌هایی مانند: *آیین داوری* (یوسف‌زاده، ۱۳۹۳)، *عدالت قضایی گزیده آراء* (کاتوزیان، ۱۳۹۲)، *ادب قضاء در اسلام* (آیت‌الله جوادی آملی، ۱۳۹۰)، *سلوک دادرسی* (ادیبی‌مهر، ۱۳۸۹)، *بایدها و نبایدها در رفتار و کردار قضات* (ناجی جزائری، ۱۳۹۱)، و مقالاتی مانند: «اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، (محسن امیری و محمدرضا ویژه، ۱۳۹۳)؛ «استقلال قاضی»، (مدرس، ۱۳۵۰)؛ «استقلال قاضی در نظام قضایی ایران

در پرتو تحولات قانون‌گذاری»، (علی دهقانی، ۱۳۸۸): «اندیشه: استقلال قاضی، مصونیت یا مسئولیت»، (محسن محبی، ۱۳۷۹): «استقلال قضایی در حقوق ایران و انگلیس»، (وحید خندانی و همکاران، ۱۳۹۷) و «استقلال و بی‌طرفی داور؛ ترادف یا تمایز؟»، (مطالعه تطبیقی در داوری تجاری بین‌المللی، شقایق واحد و رضا معبودی نیشابوری، ۱۳۹۴): و پایان‌نامه‌هایی مانند: *صفات قاضی در فقه امامیه* (مجید عظیمی، ۱۳۹۰)، *تحقیق در مورد علم قاضی و حجیت آن* (اردشیر رستگاری، ۱۳۷۸)، *صفات قاضی* (حسین شه‌میری، ۱۳۸۷) و *علم قاضی در فقه و حقوق* (سید مجتبی قرشی، ۱۳۸۷) در ارتباط با استقلال، علم یا عدالت قضایی از باب بررسی شرایط فقهی یا حقوقی قاضی تألیف شده است اما هیچ اثر و تألیفی ویژه مسئله این پژوهش مشاهده نگردید.

برای این مهم، ابتدا مفهوم، تشابه و تفاوت آن دو و استعمال در عصر ائمه علیهم‌السلام و عصر حاضر مورد کنکاش قرار گرفته سپس معیارها، نشانه‌ها و مصادیق هر کدام با محوریت قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

برای به‌دست آوردن معیارهای شناختی حل اخلاقی برادران دروغین استقلال و استبداد قضات، باید مفاهیم مربوط را شناخت تا درک مشترکی از مفاهیم وارده به‌دست آید:

### الف) اصل «استقلال» قضات

«استقلال» در دو اصل صحیح «قَلَّتْ» و «انزعاج»، (برخاستن و عدم استقرار)، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵ / ۴) معنای حقیقی و در سایر معانی، مجاز است. (زمخشری، ۱۹۷۹: ۵۲۱) در دوره‌های نخست به‌معنای بردن، گذشتن، ارتفاع و نقیض استکثار (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۲۶؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۸ / ۲۳۲) و بعد از حدود قرن دهم در معنای استوار ماندن در رأی خود، انقطاع و افراد به‌کار رفته است. (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴: ۷) این واژه در روایات مانند دعای بیستم *صحیفه سجاده* (۹۶) و *السوافی* (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۷ / ۱۰۹) تا قرن دهم، به معنای قَلَّتْ آمده و در معانی دیگر استعمال نشده است. ولی از همان قرن، به همان معنای امروزی به‌کار رفته است. مانند: *تفسیر صافی* (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۰۹) و *شرح اصول کافی* مجذوب تبریزی متوفای ۱۰۹۳ ق. (۱۳۸۷: ۲ / ۴۵۹) این واژه در زبان فارسی نیز به معنی «به خود به‌کاری استادن، بی‌شکرت گیری...» است (پادشاه، ۱۳۳۵: ۱ / ۲۷۴) که معنای مورد نظر در این مقاله است.

در فرآیند قضاوت صحیح، استقلال، بی‌طرفی و عدالت تعابیر نزدیکی هستند که نتیجه واحدی را

دنبال می‌کنند. قضاوت، در حرکت داوری به‌سوی عدالت، نقش مؤثری ایفا خواهد نمود و احتمال صدور حکمی مستقل و بی‌طرف را افزایش خواهد داد. استقلال اعم از بی‌طرفی است. قضاوت بی‌طرفانه فقط جهت‌گیری قاضی نسبت به طرفین را مد نظر دارد ولی کاربرد استقلال هم به بی‌طرفی قاضی نسبت به تمایل به یکی از طرفین اشاره دارد و هم شامل طرف‌های دخیل ولی غیر آشکار در فرآیند داوری است. به تعبیر دیگر در کاربرد اصطلاح «بی‌طرفی»، قضاوت امری دوقطبی قلمداد می‌شود ولی کاربرد اصطلاح «استقلال»، چنین تفهیم می‌کند که علاوه بر دو قطب مدعی و منکر، قطب‌های دیگری نیز می‌تواند در این فرآیند به‌صورت غیر مصرح، دخیل باشند. مانند دعوی دو طرف بر سر مالکیت بر زمین مفروض که سازمان‌های محیط زیست، جنگل‌ها و مراتع، اوقاف، شهرسازی و شهرداری قطب‌های پنهان ولی مؤثر در این دادرسی است. قوانین قضایی خود نیز گاهی قطب‌های دیگری را می‌تواند در راستای انفاذ یا عدم انفاذ رأی تشکیل دهد. با این وصف مشخص می‌شود که کاربرد «استقلال» عام‌تر از کاربرد «بی‌طرفی» است.

البته استقلال، لازمه قضاوت عادلانه است و زمانی قضاوت به عدالت متصف می‌گردد که مراحل فرآیند دادرسی، در عین بی‌طرفی، از کشش‌های ناروای درونی، سازمانی، اجتماعی و سیاسی نیز پیراسته باشد. عدالت نسبت به استقلال مفهوم عام به حساب می‌آید. همچنان که در فقه و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام رجوع به قضاوت منتسب به حاکم جور - به خاطر وجود بسترهای بینشی ناروا - مورد نهی قرار گرفته است. چنین قضاوتی هیچ‌گاه نمی‌تواند عادلانه باشد. مانند روایت امام صادق علیه‌السلام که فرمود:

إِيَّاكُمْ أَنْ يُحَاكِمَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا إِلَى أَهْلِ الْجَوْرِ ... (صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۳)

مبادا کسی از شما (شیعیان) برای دادرسی، دیگری را به نزد اهل جور و ستم ببرد...

همچنین ایشان می‌فرماید: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ قَدَّمَ مُؤْمِنًا فِي حُصُومَةٍ إِلَيَّ قَاضٍ أَوْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَقَضَى عَلَيْهِ يَغْيِرُ حُكْمَ اللَّهِ فَقَدْ شَرَكَهُ فِي الْإِثْمِ». (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۹/۶) هر مؤمنی، مؤمن (دیگر) را در خصومتی، به قاضی یا سلطان جائر بکشاند پس آن قاضی یا سلطان جائر، به غیر حکم خدا، قضاوت کند، به یقین با آن قاضی یا سلطان جور، در آن گناه شریک است.

با اینکه استقلال - که گاهی بی‌طرفی قاضی نیز تعبیر می‌شود - می‌تواند از مهم‌ترین ویژگی‌های داوری باشد ولی در متن قانون اساسی نه تصریحی به آن شده و نه تعریفی درباره آن آمده است. (امیری و ویژه، ۱۳۹۳: ۳) با این وصف، استقلال قوه قضائیه در اصل یک صد و پنجاه و ششم قانون اساسی می‌تواند در محمل مصداقی قضاوت متجلی گردد. طبق ماده ۴۶۹ آیین دادرسی دادگاه‌های

عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ و مواد ۳، ۳۹ و ۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲، استقلال و بی‌طرفی از لوازم اجتناب ناپذیر امر قضا به‌شمار می‌رود.

فارغ از بحث ترادف یا تغایر «استقلال» با «بی‌طرفی»، استقلال قاضی به معنی تحت نفوذ طرفین نبودن و توانایی تصمیم‌گیری و صدور آزادانه حکم است (توکلی، ۱۳۹۵: ۲۱۲) که این آزادی در دایره قوانین و تحلیل منطقی خود از داده‌های به‌دست آمده و به معنی عدم تأثیر و تأثر هرگونه نفوذ فشار بیرونی و درونی است. (اباذری، ۱۳۹۲: ۱ / ۵۴۶) استقلال قضایی نیز در معنای آزادی قاضی است تا در مقابل هر گونه اعمال نفوذ و مداخله قوای سیاسی و اصحاب دعوا، توانایی عدم اعمال نفوذ را داشته باشد. (امیری و ویژه، ۱۳۹۳: ۳)

در تعالیم اسلام نیز آیات ۱۳۵ سوره نساء و روایات عدالت (کلینی، ۱۴۰۷: ۷ / ۴۰۶) و سیره ائمه علیهم‌السلام مانند قضاوت شریح قاضی میان امیرالمؤمنین علیه‌السلام و شخص مسیحی (تقفی، ۱۴۱۰: ۱ / ۷۴) استقلال قاضی را به‌طور ضمنی اثبات می‌کند.

### ب) استبداد قضات

استبداد به معنای مطاوعی «انفراد» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵ / ۱۴) و لازمی «تفرد» (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴ / ۵۶) و به‌تنهایی انجام دادن کاری را گویند. و در معنای مجاز - علاوه بر استعمال در تعدیه (استبداد از سوی مستبد) - در پذیرنده نیز می‌تواند به‌کار رود: «استبد الامر بفلان» یعنی وقتی که چیزی بر او غلبه کرده بر نگهداری خویش قادر نباشد. (زمخشری، ۱۹۷۹: ۳۲) یعنی استبداد بر هر دو کننده و پذیرنده می‌تواند استعمال شود ولی استعمال رایج در معنای نخست است.

استبداد در معنای انفراد و تفرد، معنای حقیقی بوده و شامل هر نوع تفردی می‌شود - چه دانسته و چه از روی عدم علم و یا اتفاقی به‌تنهایی انجامش داده باشد - در این صورت، معنای مطاوعی و لازمی دارد. به همین خاطر با این معنی، استبداد با استقلال به یک معنی بوده و به قبح فاعلی حمل نمی‌شود. اما معنای مجازی آن می‌رساند که غلبه امری به قدری است که خود دیگر جلودار خویش نمی‌تواند باشد. این معنی، نوعی افسارگسیختگی است که در حیطة گرایش‌ها صورت می‌گیرد. به همین خاطر استعمال این معنی می‌تواند - به‌طور غیر الزام‌آور - قبح فاعلی را برساند و این واژه را از استقلال متمایز سازد. (استعمال معاصر)

وجه اشتراک استقلال و استبداد در «تنها انجام دادن کارها و وابسته نبودن به دیگران» است. کسی که کاری را به‌تنهایی انجام داده و به دیگران وابسته نیست هم می‌توان به او مستقل خطاب کرد و هم می‌توان او را مستبد نامید. ظاهر چنین کاری، از این حیث (به‌تنهایی انجام دادن کار)،

قابلیت صدق هر دو عنوان را دارد ولی درواقع فقط یک وصف بر آن کار قابل صدق بوده و وصف دیگر فقط تشابه ظاهری دارد. این ظاهر مشترک، همان وجه برادر نامیدن این دو وصف است. در روایات، اصطلاح «امّ» و «امّعه» در مقابل استقلال به کار رفته و در مورد کسی استفاده می‌شود که رأی و نظر (هروی، ۱۹۹۰: ۲ / ۵۳۶) یا مذهب و طریق نداشته باشد و به همه بگوید: «انا معک؛ من با توام و با شما هم عقیده‌ام». (ازهری، ۱۴۲۱: ۱ / ۹۰) امام موسی کاظم علیه السلام به فضل بن یونس فرمود:

أُبْلِغُ خَيْرًا وَ قُلُّ خَيْرًا وَ لَا تُكُنْ إِمَّعَهُ قُلْتُ وَ مَا الْإِمَّعَهُ قَالَ لَا تَقُلْ أَنَا مَعَ النَّاسِ وَ أَنَا كَوَاحِدٍ مِنَ النَّاسِ. (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۴۱۳)

(به دیگران) نیکی برسان و سخن نیک بگو و امّعه نباش. عرض کردم: امّعه چیست؟ فرمود: نگو «من با مردم هستم» و «من بسان یکی از مردمم»!

ولی درواقع آن دو وصف (استقلال و استبداد) از یکدیگر جدا، متباین و قریب به متمایز هستند. این افتراق و تمایز در این است که استقلال بیشتر به جنبه «عدم وابستگی به دیگران» و استبداد بر «عدم توجه به آراء و منافع دیگران» توجه دارد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲ / ۱۱۸۹) مؤلفه‌های انجام کار مورد نظر، داوری را نسبت به آن کار، متفاوت می‌کند. اگر مراحل انجام آن، بدون وابستگی به اعمال نفوذها و منافع دیگران صورت گیرد چگونگی تصمیم و انتخاب مستقل است هر چند که از آرای و نظرات دیگران نیز بهره برده شده باشد. استفاده از دیدگاه دیگران هیچ الزام و اجباری در روند انتخاب و انجام، به همراه ندارد و این همان وجه حُسن استقلال است. در مقابل، اگر مراحل تصمیم، انتخاب و انجام کار مستبدانه، تحت تأثیر اعمال نفوذها و حفظ منافع خود یا دیگران، صورت گیرد، ذی‌نفع بودن خود یا دیگران، عامل مؤثر در خروج از روند قابل پیش‌بینی تصمیم، انتخاب و دادرسی است و آنها را استبدادی می‌سازد. البته باید توجه داشت مفهوم استبداد مقسمی (قضایی، مدیریتی، اجتماعی و سیاسی)، شامل استبداد روان‌شناختی، امّعه و نفوذ می‌شود. استبداد روان‌شناختی، مجرای منیّت‌ها و خودخواهی‌های بشری است ولی امّعه می‌تواند منجر به عدم توانایی بر تصمیم‌گیری و انتخاب گردد. در نفوذ هم، فرد تصمیم بر اعمال نظر و حفظ منافع دیگری دارد و نظر و منافع دیگری را انتخاب می‌کند.

با این توضیح معلوم می‌شود که استبداد به انحاء روان‌شناختی، امّعه و نفوذ، در مقابل استقلال قرار دارد. در لسان روایات، استبداد - که مقابل مشورت قرار داده شده - منطبق بر استبداد روان‌شناختی است که در کارکرد سیاسی، می‌توان از آن به «خودکامگی» تعبیر کرد؛ دراین حالت، فرد با تصوّر آن که

مشورت، او را در آرای دیگران شریک ساخته و استقلال در داوری را از او سلب می‌نماید، به طور ناخود آگاه از فهم اشتباه در داوری محروم گشته و در دام استبداد و خودکامگی، اسیر می‌گردد.

در واقعیت بیرونی، استقلال، بسیط و متباین از این مفاهیم چهارگانه است ولی در تحلیل معنایی، میان استقلال و این مفاهیم، رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است. استقلال از حیث «انجام کار به تنهایی»، با استبداد اشتراک داشته و از حیث «توجه و عدم توجه به آراء دیگران» با آن افتراق دارد. استقلال از حیث «توجه به آرای دیگران» با امعه و نفوذ، اشتراک دارد ولی از حیث «توانایی داشتن رأی و عدم آن» با امعه و از حیث «توانایی بر عدم انجام» با نفوذ افتراق داد. امعه، با استبداد (روان‌شناختی)، رابطه تضاد و با نفوذ، رابطه تخالف دارد.

امع بودن با این که در مفهوم از استبداد جداست ولی در نتیجه، هر دو در مقابل استقلال قاضی بوده و نتیجه استبداد، ناعدالتی و عدم صحت در امر قضا را به همراه دارد. با اینکه در قانون اساسی و آیین دادرسی مدنی، به استبداد و امع بودن قضات اشاره‌ای نشده ولی فرآیند قانون‌گذاری در تمام ابعاد دستگاه قضا، خود التزام عملی قانون‌گذار در نهی از این دو ردیلت اخلاقی را دارد.

### ۳. تبیین تحیر میان برادران دروغین استقلال و استبداد

با بررسی مفاهیم استبداد (روان‌شناختی) و امعه معلوم شد که هر دو ردیلت، قطب‌های مقابل فضیلت استقلال را تشکیل می‌دهند که در انتهای فرآیند قضاوت، تبعیت از هر یک، نتیجه‌ای جز استبداد ندارد. احتراز از ردیلت استبداد، در صورت تشخیص از سوی غالب قضات، امری مقبول و مورد تلاش در جهت عمل است ولی سختی کار زمانی است که در موقعیت‌های خاص قضاوت، چنین تشخیصی فاقد قطعیت لازم بوده و از سوی قاضی دو طرف حکم، با تردید مواجه باشد. چنین موقعیتی محل بروز تحیر میان برادران دروغین استقلال و استبداد رأی است. یعنی قاضی بخاطر نگرانی از وقوع استبداد، استقلال رأی خود را از دست می‌دهد و گاهی نیز برای حفظ استقلال رأی دچار استبداد رأی می‌گردد. چنین موقعیتی برای قضات، چالشی در مقابل انتخاب استقلال و ترس از وقوع استبداد، ایجاد می‌کند که با تنها با شناخت معیارهای تمایز آن دو قابل حل است. البته حل مسئله اخلاقی، گاهی به پیشگیری (دفع) و گاهی به درمان (رفع) است. در هر حال، رویکرد قاضی برای عبور از این چالش اخلاقی، در هر دو حالت، حل آن است.

حل چنین مسئله‌ای، در دو حوزه عمده «شناختی و غیرشناختی» مطرح است. حوزه شناختی،

شناخت موضوع و تحلیل و استنتاج داده‌های قضایی را بررسی می‌کند. هم خود داده‌های قضایی و هم راه بدست آوردن آنها موضوعیت دارند. حوزه شناختی، معیارهای تمایز راه کارهای سره از ناسره بدست آوردن داده‌ها را بررسی می‌کند و حوزه غیرشناختی، معیارهای رد و قبول داده‌های بدست آمده از این راه کارها را بررسی می‌کند. اهمیت حوزه شناختی به واسطه ورود اطلاعات و داده‌هایی است که در حفظ استقلال و دوری از استبداد نقش حیاتی و استراتژیک دارند. حوزه غیر شناختی نیز، شامل محورهای بینشی، اخلاقی، روان شناختی، کنشی و واکنشی، مدیریتی، سیاسی، جامعه‌شناختی، فرهنگی - اجتماعی و فقهی - حقوقی است.

#### ۴. راه حل (از طریق توجه به مجاری داده‌سازی و داده‌پردازی‌های وابسته)

طبق اصل یک صد و شصت و ششم قانون اساسی «احکام دادگاه‌ها باید مستدل به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.» و طبق اصل یک صد و شصت و هفتم قانون اساسی «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید.» بنابراین چالش قضات ابتدا «یافتن حکم و سپس بیان منابع اتخاذی» است. یافتن حکم براساس داده‌های مدون در قوانین و سپس داده‌های معتبر فقهی اجتهادی یا تقلیدی است.

یافتن حکم قضایی در دو مرحله مؤثر، جریان دارد؛ یکی کشف احکام مصرح و دیگری استنباط و استخراج احکام از منابع فقهی و حقوقی است. استنباط و استخراج احکام، پردازش داده‌های جمع شده یا جمع‌آوری شده خودآگاه و ناخودآگاه است. برخی از این داده‌ها خود موضوع احکام مورد تحلیل‌اند و برخی دیگر، بستر جهت‌ساز برای این تحلیل‌ها هستند. داده‌ها در مواجهه دستگاه پردازش، مورد تحلیل (تجزیه) قرار گرفته و گاه مؤلفه‌های کشف شده ترکیب شده و در پروسه داده‌سازی به داده‌های جدیدی تبدیل می‌شوند. از این دو مرحله مهم، به مجاری «داده‌سازی و داده‌پردازی تعبیر» می‌شود. این دو فرآیند، به تنهایی، قبح ذاتی ندارند بلکه تأثیرات و تأثرات ناپیوسته که می‌تواند آنها را ناپسند سازد.

در حقیقت داده‌هایی که دارایی قضات را تشکیل می‌دهند چیزی جز دانسته‌های درونی، محیط و دیگران نیستند. داده‌ها همان علمی است که در لغت به معنای «دانسته» (صفی‌پور، بی‌تا: ۳ - ۴ / ۸۷۴) و در اصطلاح، صورت معلوم نزد عالم است. (اخوان الصفا، ۱۴۱۲: ۳ / ۳۸۶) حال هر چه که در مقابل آن باشد جهل و نادانی خواهد بود. بدین ترتیب سپردن قضاوت و مراجعه به داوری یا حاکمیت افراد



نادان به طریق اولی، مردود خواهد بود. علم تصویری و تصدیقی، زمانی داوری را از استبداد پیراسته می‌سازند که موضوع و ابعاد آن به درستی فهمیده شوند وگرنه داوری بدون داشتن علم، نتیجه‌ای جز استبداد رأی و اعمال خودرأیی‌ها نخواهد داشت.

استقلال فکری و عملی در بسیاری از مراحل خود، به داده‌سازی و نحوه پردازش آنها وابسته است. بسیاری از اوقات قاضی، به خاطر فقدان یا ناکافی بودن اطلاعات کمی و کیفی، دچار توهم استقلال می‌شود به همین خاطر به گمان خویش راه درست را انتخاب کرده و با قاطعیت به صدور حکم می‌پردازد و حال آن که حکم اصلی چیز دیگری است. به‌طور مثال فردی که از روند بدست آوردن حکم فقهی اطلاعی ندارد احکام مشابه با نتایج متفاوت را بازی با الفاظ می‌پندارد. چنین حکم مستبدانه‌ای حاصل فقدان دانش و اطلاعات مناسب کمی و کیفی است. قاضی دارای علوم نامرتبط نیز در حقیقت در حیطة لازمه جاهل بوده و ممکن است به ورطه استبداد سقوط کند. به همین خاطر قبل از روبرو شدن با حوادث و تصمیم‌گیری باید آموخته‌های متناسبی اندوخت تا در موقع نیاز از این داروخانه بتوانیم استفاده کنیم. مراد از داده‌اندوزی، کسب اطلاعات به طریق ممکن مانند مطالعه کتاب و حتی یادگیری از محیط است.

ما در مواقع نیاز به تصمیم‌گیری و صدور حکم، داده‌ها را نمی‌سازیم بلکه با چینه‌ساز خاص داده‌ها در کنار هم، آنها را برای موقعیت‌های پیش آمده انتخاب می‌کنیم. در حقیقت در موقعیت‌های داوری، داده‌های از قبل تدارک دیده شده بررسی، انتخاب و سپس بیان می‌شوند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

لسانك یقتضيك ما عودته. (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۳)

زبانت از تو می‌خواهد هر چه را عادتش داده‌ای (سخنان خوب یا بد).

مانند کسی که داده‌های لفظی برای بروز عواطف منفی را آموخته است و با پندار موقعیت‌های مشابه به استفاده از ادبیات خاص آموخته شده روی می‌آورد. چنین رویکردی به خاطر فقدان یا کاستی در داده‌ها یا پندارهایی است که اشخاص به‌طور کامل یا صحیح نتوانسته‌اند آنها را اندوخته سازند. بنابراین داوری با چنین دایره داده‌ای و اطلاعاتی، به شناخت و صدور حکم صحیحی منتهی نخواهد شد. چنین فردی خودرأی بوده در زبان نیز با آن حکم خواهد داد.

البته داده‌های اندوخته شده نباید از محدوده باوری، خارج گردد چرا که برخی افراد برای انتخاب داده‌های لفظی یا قائم مقام آنها، برای موقعیت‌های پیش آمده، از داده‌های گرایش‌ی - که غالباً پنهانند - استفاده می‌کنند. درحالی که داده از جنس آگاهی است و با میل یا رفتار متفاوت است. از این جاست که انواع مطالعه و کسب آگاهی در سطح وسیع‌تر، می‌تواند داده‌های دریافتی ما را به واقعیت داده‌ها نزدیک کند.

در گام بعد همین داده‌ها با پیکر پنداشته و خودساخته ما، مورد تحلیل هوش عادی یا هوش هیجانی می‌شوند. داوری در حقیقت در این قسمت تولید یا بازتولید می‌شود. تولید داده‌های داوری، تحت تأثیر تمایلات و گرایش‌ها قرار می‌گیرد که آنها در چرخه‌ای دیگر ساخته شده‌اند و داده‌های تجربی کنونی می‌تواند در طول یا مقابل داده‌های قبلی با دامنه صفر تا صد قرار گیرد.

داده‌سازی و داده‌پردازی‌های وابسته پنج شرط دارد که عبارتند از: ۱. داده‌افزایی، ۲. بهره‌برداری از خرد جمعی، ۳. همخوان‌سازی داده‌ها با موقعیت‌ها، ۴. تجمیع یا گسترده‌سازی داده‌ای، ۵. پرهیز از داده‌های نارس، دانش‌نما و آسیب‌زا.

در ادامه هر کدام به ترتیب توضیح داده می‌شود:

### الف) داده‌افزایی

نخستین معیار استقلال در قضاوت، داده‌افزایی است. به فراخور موضوع داوری، نقش داده‌ها می‌تواند ارزش صفر تا صدی داشته باشد. داده‌ها و اطلاعات لازم برای تحلیل داوری، دایره‌ای محدود و گزینشی نیست تا قاضی قبل از داوری، آنها را انتخاب نماید بلکه حداقلی از معلومات مقدماتی، لازمه ورود به عرصه داوری است. همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید مقداری از این داده‌افزایی، برای هر فرد مسلمانی لازم است:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۰)

دانش اندوزی بر هر مسلمانی واجب است.

مسلماً عبارت «کل مسلم» نشانگر جامعه اسلامی بوده و «ال» و «کل» مفید عموم استغراق مجموعی‌اند. بنابراین کسب کل علم برای کل جامعه واجب است. تفاوت «ال» با «کل» در این است که «ال» از ادات انحصاری معنای عموم است ولی «ال» می‌تواند معانی دیگری نیز داشته باشد. بنا بر روایت ذیل، «ال» عهد ذکری یا ذهنی است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ.

به یقین علم فقط سه قسم است: آیه و نشانه استوار یا فریضه عادلانه یا سنت پایدار. و غیر اینها همه فضل است.

مراد از «العلم»، دانشی است که در جهت دین و دنیا مفید باشد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۰۳) و مراد از «آیه محکمه» علمی است که دلالت آن واضح یا غیر منسوخ باشد. مراد از «فریضه عادلانه»

مطلق فرایض و واجبات و مراد از «سنه قائمه» سنت غیر منسوخه است. به تعبیر میر داماد رحمته الله این سه علم به ترتیب عبارتند از: علم نظری شناخت به خدا و انبیا<sup>علیهم السلام</sup> و ...، علم شرایع و احکام و علم تهذیب اخلاق و سیر و سلوک. (میرداماد، ۱۴۰۳: ۶۷)

پس داده‌افزایی در هر یک از این علوم دینی برای هر مسلمانی لازم است ولی هر کس به اندازه استعداد و مسئولیت خود. با این وصف برای داوری در سطوح مختلف، کسب علوم مختلف متناسب با داوری لازم و واجب است که داده‌های فرامحیطی را تأمین می‌سازد. قسمت دیگری از داده‌های فرامحیطی، لازمه داوری حذاقلی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

اَلْعِلْمُ يُرْشِدُكَ. (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵)

علم و دانایی تو را راهنمایی و هدایت می‌کند.

فقط علم یا علوم سه‌گانه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند موجب رشد و تعالی می‌گردد. به طور مشخص، موقعیت‌های مختلف و پیچیده‌تر، لایه‌های معرفتی عمیق‌تری می‌طلبد که داده‌افزایی در آن حوزه، همان لازمه حذاقلی برای داوری است.

قسمت دیگری از داده‌های فرامحیطی نیز، لازمه کمال قضاوت است. همچنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

اعْمَلُوا بِالْعِلْمِ تَسْعَدُوا. (همان)

به دانش خود عمل کنید تا سعادتمند گردید.

علم یا علوم سه‌گانه مذکور، زمانی به طور کاربردی مفید خواهند بود که لایه‌های نخست، جامه عمل پوشانده شوند. کاربرد لایه‌های نخست، مقدمه‌ای برای فهم لایه‌های پسین بوده و ظرفیت دریافتی فرد را افزایش می‌دهد. آنچه گفته شد لایه‌های سه‌گانه داده‌های فرامحیطی محسوب می‌شوند چرا که چنین داده‌هایی وابسته به موضوع داوری نبوده و فراتر از محیط موقعیت داوری است.

بخش دیگر داده‌افزایی در داوری، موضوع محور و وابسته به موقعیت داوری است. این داده‌ها با تحقیق میدانی و تطبیق موردی محقق می‌شود. داده‌های محیطی مانند اطلاعات لازم برای پرونده قضایی در یک سازمان یا منطقه خاص با قومیت‌های خاص و داده‌های فرامحیطی مانند قوانین دینی، ملی و یا معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی.

داده‌افزایی محیطی و فرامحیطی ابتدا با «مطالعات بنیادین و مدون» سپس «تحقیق میدانی» و بعد «تحقیق و تطبیق موردی و مصداقی» به‌دست می‌آید. درمان استبداد مانند دارو خواستن از کسی است که

باید علاوه بر علم پزشکی، علم داروسازی نیز آموخته و بر آن توانایی تطبیق موردی را نیز داشته باشد یعنی انبوه مطالعات و تجمع داده‌ها به تنهایی هدف نبوده بلکه باید داده‌ها را در مسیر تربیت خود و بهبود محیط انسانی پیرامونی جمع، پردازش و سپس مورد بهره‌برداری قرار گیرد. (کارل، ۱۳۶۲: ۶۶) البته در فرآیند تحلیل علمی در داوری، تفکیک اندیشه از رفتار بسیار ضروری است یعنی داور موظف به حکم درباره رفتارهاست؛ به تعبیر دقیق‌تر، حکم براساس حسن و قبح فعلی صادر می‌شود نه فاعلی!

**مطالعات بنیادین** با چهار مصداق روشن می‌شود: ۱. تحصیل علوم دانشگاهی یا حوزوی در رشته یا رشته‌های مرتبط مانند مطالعه علوم فقه و حقوق. ۲. خواندن کتاب‌های غیردرسی، مجلات، روزنامه‌ها و سایت‌های علمی که ارتباط مستقیمی با موضوع دارند. ۳. مطالعات محیطی مانند خواندن رمان، تماشای فیلم و سریال. (برای درک صحیح محیط و مراجعین) ۴. گفتگوها و مباحثات در گروه‌های درون سازمانی، دانشگاهی و گروه‌ها یا انجمن‌های فقهی، حقوقی، جامعه‌شناختی و ...

**تحقیق میدانی** نیز که با بروز مشکل شروع می‌شود سه مصداق می‌تواند داشته باشد: ۱. رایزنی با کارشناسان (غیر حقوقی) خبره ۲. مطالعه ویژه و محدود درباره موضوع که بیشتر میان رشته‌ای است. ۳. اندیشه و تحلیل.

**تحقیق و تطبیق موردی و مصداقی** نیز سه مصداق دارد: ۱. شناخت دقیق مسئله ۲. پرس و جو درباره مسئله ۳. استفاده از فنون تحقیق و آمار در جرائم منطقه‌ای یا ملی یا بین‌المللی. (مانند: دادرسی در پرونده تصادف دو خودرو که غالباً میان دو راننده دادرسی اتفاق افتاده و یک طرف و یا هر دو طرف با درصدهای خاصی محکوم می‌گردند ولی هیچ کس احتمال خطا و وقوع جرم توسط شرکت سازنده خودرو، پیمانکار راه‌سازی، پلیس، تدوین کنندگان قانون و ... را مطرح نمی‌کند. داوری صحیح این است که در موقعیت‌های حادثه خیز جاده‌ها و معابر و ... قاضی از آمار حوادث در آن نقطه استفاده کرده و در صورت تعدد تصادفات، به عامل مخفی جرم هم توجه نماید و خسارت را از همان عامل مجرم بستاند.)

**ب) بهره‌برداری از خرد جمعی** گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
دومین معیار داده‌سازی و داده‌پردازی‌های وابسته، «بهره‌برداری از خرد جمعی» در قالب مشورت با افراد آگاه و استفاده از دانش، اندیشه و تحلیل آنهاست. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ مَلَكَ اسْتَأْثَرَ وَ مَنْ اسْتَبَدَّ رَأَيْهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرُّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا.  
(نهج البلاغه، ۴۳۸)

هر که به قدرت و حکومت رسد، خواستار اطاعت دیگران می‌شود. و هر که (در جهت انفاذ حکمش) خودکامگی کند، به هلاکت رسد و هر که با دیگران مشورت کند، در عقل آنان شرکت جسته است.

مشورت گاهی به صرف استفاده از داده‌های دانشی و گاهی بهره‌گیری از اندیشه خاصی است که دیگران ممکن است اندوخته باشند و گاهی استفاده از قدرت تحلیل، تخیل، واقع‌نگری و یا نقد دیگران درباره تمام یا قسمتی از گزاره یا گزاره‌هایی است که ما آنها را در این باره به مشارکت می‌طلبیم. پیامبر اسلام ﷺ در یکی از وصیت‌هایشان به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ مَلَكَ اسْتَأْذَرَ وَ مَنْ لَمْ يَسْتَشِرْ يَنْدَمْ. (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۸)

آن که حکومت یابد، خواستار انفاذ رأی می‌شود و آن که مشورت نکند، پشیمان می‌شود.

چراکه انسان‌ها از خطا مصون نبوده و استفاده از عقول و تجربه دیگران، احتمال خطا را کاهش می‌دهد. استفاده از خرد جمعی در موقعیت‌های استنباطی، بهترین راه برای بدست آوردن حکم صحیح در داوری است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَا اسْتَنْيَطَ الصَّوَابُ يَمِثُلُ الْمَشَاوِرَةِ. (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۲)

راه درست و صواب از جایی بهتر از مشاوره به دست نمی‌آید.

حکم به دست آمده از راه خرد جمعی، بی‌شک قضاات را از سردرگمی رها می‌سازد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا حَارَ مَنْ اسْتَشَارَ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۱۳)

آنکه مشورت کرد، در حیرانی و سردرگمی نماند.

در مقابل کسی که به خرد جمعی وقعی نمی‌نهد ممکن است به دنبال احساس بی‌نیازی کردن از خرد جمعی و تجربه دیگران، دچار لغزش و شکست شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ زَلَّ. (آمدی، ۱۳۶۶: ۵۸۱)

کسی که خودرأی باشد، (از راه درست منحرف شده و) زمین می‌خورد.

چنین قضاوتی خالی از خطر و نزدیکی به هلاکت نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

قَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ. (همان: ۴۹۲)

هر کس به رأی و نظر خویش اکتفا کند، خود را به خطر (و معرض هلاکت) انداخته است.

قضاوت با خودرأیی، به خاطر آمیختگی با غرور و خودبینی، باعث طرد سازمانی قاضی و یا تنزل اعتماد و مراجعه از سوی مراجعین می‌گردد. قاضی با دور شدن از خرد جمعی، رأی خود را فاقد ارزش قضایی می‌سازد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا رَأْيَ لِمَنْ أَفْرَدَ رَأْيَهُ. (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۶۷)  
کسی که خودرأی است، رأی ندارد.

بدین ترتیب کسی که حکمش فاقد ارزش قضایی است مورد طرد سازمان و مراجعین خواهد بود. از طرف دیگر خودرأیی در قضاوت، موجب کاهش رغبت دیگران نسبت به ارائه مشورت و راهنمایی می‌شود. چنین فردی از بهره‌برداری از خرد جمعی محروم می‌سازد و در حقیقت، شأنیت چنین ارتباطی مهمی را از دست می‌دهد. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

وَلَا تُشِيرْ عَلَيَّ مُسْتَيْدٍ رَأْيِهِ. (حلوانی، ۱۴۰۸: ۱۱۳)  
به انسان‌های خودرأی، نظر مده.

در مکتب اهل بیت علیهم السلام، استفاده از خرد جمعی، زمانی شایسته است که مشاور قدرت بیان واقعیت و تحلیل فرا تقلیدی را داشته باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

يَا عَلِيُّ لَا تُشَاوِرَنَّ جَبَانًا فَإِنَّهُ يُضَيِّقُ عَلَيْكَ الْمَخْرَجَ. (صدوق، ۱۴۱۳: ۴ / ۴۰۹)  
یا علی با آدم ترسو مشورت نکن؛ چرا که راه خروج را بر تو تنگ می‌کند.

کسانی که از فضیلت شجاعت بی‌بهره و ترسو هستند بسیاری از راه‌های خروج از بحران را بسته دیده و قاضی را از نزدیک شدن به آنها می‌ترسانند. آسیب دیگر مشورت با افراد ترسو، بزرگنمایی مشکلات و موانعی است که خروج از آنها به آسانی میسر است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا تُشْرِكَنَّ فِي رَأْيِكَ جَبَانًا يُضَعِّفُكَ عَنِ الْأَمْرِ وَ يُعْظِمُ عَلَيْكَ مَا لَيْسَ بِعَظِيمٍ. (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۲)

ترسو را در مقام مشورت، در رأی خویش مشارکت نده؛ چرا که سبب سست شدن تو در کارها می‌شود و چیزی که بزرگ نیست، برای تو بزرگ جلوه می‌دهد.

معیار دیگر صحت داده‌های خرد جمعی، فقدان تنگ‌نظری است. چنین فردی، قاضی را از ادامه

اتخاذ تصمیم صحیح باز می‌دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَلَا تُشَاوِرَنَّ الْبَخِيلَ فَإِنَّهُ يَقْضُرُ بِكَ عَنْ غَايَتِكَ. (صدوق، ۱۴۱۳: ۴ / ۴۰۹)  
یا علی از بخیل رأی نخواهد؛ زیرا که تو را از رسیدن به مقصود بازمی‌دارد.

نظر خواهی از تنگ نظران، به خاطر داشتن گرایشی که فاقد ارزش و انحرافی است، مانع تحلیل صحیح قضایی در مسئله پیش آمده می‌شود. بخصوص زمانی که قاضی امکان استفاده از تخفیف‌های قانونی برای متهم یا متهمین دارد ولی انتخاب نادرست کارشناسان منجر به تشویق برای صدور اشد مجازات می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَخْذُلُكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعِدُّكَ الْفَقْرَ. (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۲)  
در مشورت خویش، بخیل را دخالت مده؛ چرا که تو را از بخشندگی منحرف می‌کند و از فقر می‌ترساند.

معیار دیگر صحت داده‌های خرد جمعی، عدم تمایل به اندوختن خارج از روبه عرفی و بر محور حیات دنیوی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَلَا تُشَاوِرَنَّ حَرِيصًا فَإِنَّهُ يُزِينُ لَكَ شَرَّهَا. (صدوق، ۱۴۱۳: ۴ / ۴۰۹)  
ای علی با حریص رایزنی نکن، چرا که حرص را در نظرت می‌آراید.

آراستن گرایش به اندوختن زمانی که خود هدف اندوختن قرار گرفته ردیلتی است که رأی قاضی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در روایت مذکور حریص شدن قاضی - با این که قبیح است - مورد اشاره نیست بلکه حرص و طمع مشاور، داده انتقالی را موجه و زیبا جلوه می‌دهد با این که در حقیقت چنین نیست و قاضی خود به ناپسند بودن آن واقف است. آسیب دیگری که استقلال قاضی در قضاوت را تهدید می‌کند استفاده از کارشناسان فاقد صلاحیت علمی یا تخصصی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مُشَاوَرَةُ الْجَاهِلِ الْمُشْفِقِ خَطَرٌ. (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۴۲)  
مشورت با نادان دلسوز نزدیکی به هلاکت است.

چنین داده‌های مشاوره‌ای، با این که بار عاطفی مثبت و ارزشی دارد ولی به خاطر فقدان داده‌ها و اطلاعات علمی کافی یا متناسب، با ماهیت استفاده از خرد جمعی دارای تضاد است. داده‌های دریافتی از چنین شخصی اطمینان لازم را به دست نداده و به خاطر خلأ داده‌ای یا نادرستی در دریافت یا تحلیل آنها که خود دارد هیچ گاه به گزاره‌های واقع نما منتهی نمی‌شود. بدین ترتیب چنین رویه‌ای با

اینکه دارای حسن فاعلی است ولی عملاً فاقد حسن فعلی و نتیجه مطلوب خواهد شد. فرآیند مذکور به خاطر دوری از مکانیزم صحیح نتیجه ضدارزشی و استبدادی خواهد داشت. معیار دیگر خرد جمعی استفاده از کارشناسانی با قدرت تحلیل بالاست. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ دَلَّ عَلَى الصَّوَابِ. (مفید، ۱۴۱۳: ۱ / ۳۰۰)

هر کس با خردمندان مشورت کند، به آنچه صواب است، راهنمایی می‌گردد.

یعنی علاوه بر این که مشاور، علم لازم را داشته باشد باید توانایی بالایی در تحلیل صحیح داده‌ها داشته باشد. استفاده از کارشناسانی که فاقد توانایی مطلوب در تحلیل داده‌ها باشند نظر کارشناسی صحیحی همراه نخواهد داشت و عملاً نتیجه داوری را استبدادی خواهد نمود. معیار دیگر خرد جمعی استفاده از کارشناسان متعهد است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

شَاوَرُ فِي أَمْرِكَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. (ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۳۷۶)

تعهد، زمانی برای افراد، امری الزام آور است که برخواسته از باور به نظام تشویق و تنبیه در بازه مادی (دنیوی) و فرامادی (اخروی) باشد.

فقدان این گرایش در کارشناسان و مشاوران، نتیجه کارشناسی را با هاله‌ای از ابهام همراه می‌سازد که داده‌های آن احتمال خطاپذیری بالایی دارد. استفاده از چنین کارشناسانی نتیجه استبدادی به همراه خواهد داشت.

علاوه بر ویژگی‌های گفته شده کارشناسان مورد استفاده باید توانایی همخوان سازی داده‌ها با موقعیت‌های خواسته شده را دارا باشد. امام صادق علیه السلام چند ویژگی مهم مشاور را چنین بیان می‌فرماید:

شَاوَرُ فِي أُمُورِكَ مِمَّا يُقْتَضِي الدِّينُ مَنْ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ: عَقْلٌ وَعِلْمٌ وَتَجْرِبَةٌ وَنُصْحٌ وَتَقْوَى. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۱۰۳)

در کارهای خود که از نظر دین نیز جایز باشد، با کسی مشورت کن که در او پنج خصلت باشد؛ عقل و دانش و تجربه و خیرخواهی و پرهیزکاری.

بهره‌بردن از خرد و اندیشه دیگران دو نشانه دارد یکی بهره‌بردن از اطلاعات دیگران و دیگری بهره‌بردن از تحلیل و نقد دیگران. با این دو نشانه معلوم می‌شود که مشورت با هر کسی نتیجه مفید را نخواهد داشت بلکه چه بسا مانند قطب‌نمایی که در تأثر از میدان‌های مغناطیسی مختلفی است باعث گمراهی می‌شود. اطلاعات دیگران موقعی مفید است که داده‌ها، مبنا و پیام، صحیح بوده و توأم با تحلیل و نقد صادق و مفید باشد.



مصادیق بهره بردن از اطلاعات، تحلیل و نقد دیگران می‌تواند به صورت زیر باشد: ۱. برگزاری جلسات مستقیم با مراجعین، ۲. مشورت موردی و خصوصی با کارشناسان خبره. امروزه در دستگاه قضایی، براساس اصل سی و پنجم قانون اساسی<sup>۱</sup> وجود وکلا و کارشناسان، پیش‌بینی قانون در راستای استفاده ضابطه‌مند از خرد جمعی است.

### ج) انطباق داده‌ها با موقعیت‌ها

گاهی فرد به خاطر نداشتن قدرت همخوان‌سازی داده‌ها با موقعیت پیش آمده، دچار استبداد می‌شود بی‌آنکه خود عزمی بر این ردیلت اخلاقی داشته باشد. یعنی علم تطبیق مطالعات و اندوخته‌های خود بر مورد خاص پیش آمده را ندارد. بهره‌گیری از تجربه‌های گوناگون، باعث تسهیل درک و فهم بهتر مسائل است. تجربه، موجب روند زایشی و رویشی علم است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

في التجارب علم مستأنف. (کلینی، ۱۴۰۷: ۸ / ۲۲)  
در تجربه‌ها دانشی نو شونده است.

و فراتر از آن اینکه توان‌افزایی در همخوان‌سازی داده‌ها با موقعیت‌ها علاوه بر افزایش دانشی، افزایش مرکز ساخت اندیشه‌ها را نیز در پی دارد. امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

طول التجارب زیاده في العقل. (دیلمی، ۱۳۶۶: ۲۹۸)  
طولانی بودن تجربه‌ها، سبب افزایش عقل است.

همخوان‌سازی داده‌ها با موقعیت‌ها، شیوه‌ها و روش‌های جدید به ارمغان می‌آورد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

لو لا التجارب عمیت المذاهب. (کراچکی، ۱۴۱۰: ۱ / ۳۶۷)  
اگر تجربه‌ها نبود راه‌ها پنهان می‌ماند.

قضات با بدست توانایی خوانش داده‌ها بر موقعیت‌ها از گزند فریب، آسیب کمتری می‌بینند. همچنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

من کثرت تجربه قلّت غرّته. (آمدی، ۱۳۶۶: ۵۳۹)  
هر که تجربه‌اش بسیار باشد کمتر فریب می‌خورد.

---

۱. اصل سی و پنجم قانون اساسی: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

توانایی همخوان‌سازی داده‌ها با موقعیت‌ها، دارای سه ملزوم است: ۱. تمرین، ۲. آموزش نزد افراد مجرب، ۳. مقایسه.

**توضیح:** داوران قبل از ورود مستقیم به فرآیند دادرسی و پذیرش مسئولیت آن، می‌توانند با مواجهه و تحلیل پرونده‌های قضایی قبلی، توانایی همخوان‌سازی خود را افزایش دهند سپس چگونگی مواجهه، داده‌افزایی، تحلیل، انتخاب و صدور رأی را با قضات پیشکسوت و مورد اطمینان مطرح نموده و فرآیند داوری خود را با فرآیند داوری قبلی مقایسه کنند. به‌علاوه این که در داوری اصلی و رسمی، بعد از اتمام موقت فرآیند داوری، آن را با داوری‌های معیار مانند قضاوت‌های حضرت علی علیه السلام بسنجد. این سه شیوه، ملزومات همخوان‌سازی داده‌ها با موقعیت‌ها و توان‌افزایی در این راستاست.

#### د) جمع‌ی یا گسترده‌سازی داده‌ای

در فرآیند قضاوت و تصمیم‌گیری باید بر مسئله احاطه کامل داشت و گرنه صرف داشتن اطلاعات ناقص داروخانه‌ای خواهد بود که فقط چند قلم دارو برای درمان هر بیمار دارد. احاطه بر داده‌های مورد نیاز در موقعیت‌های پیش‌آمده، به دو صورت جمع‌ی داده‌ای یا گسترده‌سازی داده‌ای خود را نشان می‌دهد. داده‌ها و اطلاعات در دست قاضی، هر کدام قسمتی از مراحل فعال قضاوت به‌شمار می‌روند که قاضی با احاطه لازم در چینش آنها، ابتدا آنها را جمع‌ی می‌کند. جمع‌ی داده‌ها در بسیاری از موقعیت‌ها، پازل اطلاعات پرونده را غالباً کامل می‌کند ولی در برخی از موقعیت‌ها، جمع‌ی به تنهایی داده‌های خام و نارس را صرفاً در کنار هم قرار می‌دهد اینجاست که قاضی با تکنیک دوم یعنی گسترده‌سازی، اقدام به چینش و تحلیل داده‌ها می‌کند. داده‌های به‌دست آمده به‌طور قطع گسترده‌تر از داده‌های مرحله قبل‌اند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

اضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بَبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ. (همان: ۴۴۲)

برخی از آراء را بر برخی دیگر عرضه کنید تا رأی و نظر درست زاده شود.

احاطه با بررسی سیستمی (عدم نگاه جزیره‌ای و موردی) توأم با فراسیستمی میسر است. یعنی پروسه‌های حل مسئله، زنجیروار در داخل شبکه به هم پیوسته و مرتبط قرار دارند که هر حلقه بدون ارتباط با دیگری باعث نقصان کل مجموعه خواهد شد. حال نحوه ارتباط حلقات با یکدیگر می‌تواند خطی، خورشیدی یا شبکه‌ای باشد. برای حل مسئله شبکه‌ای باید تمام زوایای تمام عوامل را بررسی کرد. از طرف دیگر شبکه‌ای که در برخورد و حل مسئله ساخته می‌شود هیچ‌گاه مستقل از شبکه‌های فرادستی، ملی، بین‌المللی و متافیزیکی نیست. اگر شبکه انتزاعی، بدون در نظر گرفتن آنها شکل بگیرد

جنین نامتکاملی بیش نخواهد بود که خود گرفتار جزیره بودن خود است. نگاه سیستمی چهار شرط دارد: ۱. بهره‌گیری از کارگروه تخصصی، ۲. احصاء کامل عوامل دخیل، ۳. تحلیل کامل فیزیولوژی فکری و تحلیلی هر متخصص، ۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و نقد منصفانه از طرف گروه؛ و نگاه فراسیستمی نیز دارای چهار شرط است: ۱. اطلاع و احصاء مواد مؤثر خارج از سیستم، ۲. شناخت تخصص‌های مورد نیاز خارج از سیستم، ۳. بکارگیری کارشناسان میان‌رشته‌ای، ۴. به‌کارگیری کارگروه تخصص‌های خارج از سیستم در موقعیت‌هایی با داده‌های جدید و سازمان نیافته.

#### ه) پرهیز از داده‌های نارس، دانش‌نما و آسیب‌زا

دانش داور، در قضاوت باید از هر جهت کافی باشد و گرنه ممکن است همان موردی که نمی‌داند معادلات تصمیم‌گیری و صدور رأی را تغییر دهد. اکتفاء به علم ناقص، جهل مرکب، نداشتن امکانات، تکبر، غرور، قیاس‌های نابجا، پیش‌داوری و مانند آنها چه موجه و یا ناموجه، علاوه بر این که نتیجه مؤثری بر ندارد بلکه گاهی موجب دریافت یا فهم داده‌های نادرست نیز می‌شود. چنین گزاره‌هایی همیشه با احتمال بطلان آمیخته‌اند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

فَلَا تَقُولُوا بِمَا لَا تَعْرِفُونَ فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيمَا تُنْكِرُونَ. (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۰)

درباره آنچه نمی‌دانید گفتگو نکنید چرا که بطور قطع، بیشترین حق در همان چیزی است که نمی‌شناسید.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ إِذَا جَهِلُوا وَقَفُوا وَ لَمْ يَجْهَدُوا لَمْ يَكْفُرُوا. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۸۸)

اگر بندگان (خدا) زمانی که (به چیزی) علم نداشته باشند توقف کرده و (چیزی را) انکار نکنند کافر نمی‌شدند.

چراکه نداشتن علم کافی باعث می‌شود تا قاضی درباره قسمت ناکافی گزاره‌ها، به دیده قطع و در مقابل درباره موضوعی که نمی‌داند به دیده انکار بنگرد و حال آن که بیشترین وزن حقیقت، در قسمت نادانسته‌هاست. پس اگر حکمی هم صادر شود از روی داده‌های نارس است که به نتیجه صحیح داوری آسیب می‌رساند. این گونه داده‌ها، دانش‌نما بوده و به خاطر نزدیکی به داده‌های قطعی، مانع توجه قضات به خلأ اطلاعاتی موجود می‌شود.

پرهیز از داده‌های نارس، دانش‌نما و آسیب‌زا، پنج مصداق دارد:

۱. کسب داده‌ها و اطلاعات از مجاری صادق و مطمئن، ۲. تحلیل صحیح، ۳. استفاده از ابزار صحیح و مناسب جهت تحلیل داده‌ها، ۴. اعتماد نکردن به شایعات، ۵. مشخص کردن ذی‌نفعان و متضررین برای پی بردن به جهت بیان گزاره‌ها.

## ۵. پیشنهادات

کسب و حفظ استقلال و رهایی از استبداد در داوری، نیاز به نهادینه شدن در سطح جامعه در ابعاد فردی و اجتماعی دارد. استقلال درونی و بیرونی قضات، امری زایشی و رهایی از استبداد، امری دفعی نیست. ملکات در طول حیات فردی و اجتماعی در افراد یا جوامع ساخته می‌شوند. بنابراین برای نزدیک شدن به این هدف، پیشنهادهای زیر می‌تواند راهگشا باشد:

۱. تقسیم‌بندی قضات براساس آموخته‌ها و تخصص‌های غیر قضایی مانند روان‌شناسی کودکان، روان‌شناسی ازدواج و ...، ۲. تخصصی کردن دادگاه‌ها براساس موارد ارجاعی. مانند دادگاه رسیدگی به جرائم آموزشی یا تحقیقاتی، دادگاه جرائم سایبری، دادگاه جرائم اقتصادی و ...، ۳. آموزش، جذب و استفاده از قضات با تخصص‌های دیگر، ۴. به‌روزرسانی مفاد قوانین جزایی به زبان روز ملی، ۵. ایجاد مرکز پژوهش‌های قضایی منطقه‌ای با توجه به نوع جرائم در مناطق مختلف و تحلیل استنتاجی آمارهای بدست آمده، ۶. ایجاد مراکز سنجش، حفظ و افزایش اخلاق قضایی در دستگاه‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌های قضایی، ۷. ساخت برنامه‌های آگاهی‌بخشی و آموزشی اخلاق قضایی در رسانه‌های گروهی و تشویق سازندگان چنین برنامه‌هایی از طریق برگزاری جشنواره‌ها، ۸. فرهنگ‌سازی از طریق آموزش و آشناسازی کودکان، نوجوانان و جوانان با اخلاق و قوانین قضایی با گنجاندن کتاب‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی.

## نتیجه

داوری فرآیندی نظام‌مند با مؤلفه‌های فعالی است که هر مؤلفه در مرحله‌ای خاص، تأثیر حیاتی بر چینش و استنتاج حکم دارد. مشکل اصلی، در برخی از موقعیت‌های داوری، گرفتاری - به‌ظاهر غیر ارادی - داوران به استبداد است. این نوع بداخلاقی - که نتیجه داوری را متأثر می‌سازد - از عدم تمایز داوران میان برادران دروغین، سرچشمه می‌گیرد یعنی داور می‌داند که استبداد قبیح است و قصدی بر ارتکاب آن ندارد ولی موقعیت پیش رو را نمی‌تواند تشخیص دهد و با این پندار که - داوری را مستقل، انجام می‌دهد - مرتکب استبداد می‌شود که این عدم تمایز، قابلیت پیش‌گیری، کنترل و هدایت دارد.

بنابراین چنین پیش‌آمدی به‌خاطر بروز اضطراب در انتخاب میان استقلال و برادر دروغین آن یعنی استبداد در داوری است که با شناخت معیارها، نشانه‌ها و مصادیق، قابل حل است. چنین فرآیندی را می‌توان از زوایای متعددی - مانند بُعد سازمانی - مورد واکاوی قرار داد که یکی از مهم‌ترین آنها، حوزه داده‌سازی و داده‌پردازی است که در استقلال قاضی و دوری او از استبداد نقش کلیدی دارد. معیارهای حل این مسئله، در حوزه‌های دیگری نیز قابل طرح است ولی براساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، حوزه «داده‌سازی و داده‌پردازی‌های وابسته» اهمیت مبنایی دارد. این حوزه دارای پنج معیار «داده‌افزایی»، «بهره‌برداری از خرد جمعی»، «همخوان‌سازی داده‌ها با موقعیت‌ها»، «تجمیع یا گسترده‌سازی داده‌ای» و «پرهیز از داده‌های نارس، دانش‌نما و آسیب‌زا» است. ناگفته نماند که کتابها و مقالاتی که در این زمینه نوشته شده‌اند به استقلال قاضی یا عدالت قضایی یا آداب القضا و یا استبداد سیاسی (در حوزه مدیریت و رهبری) پرداخته‌اند که فاقد شناخت، بررسی و مقایسه آن دو از جهت داده‌سازی و داده‌پردازی‌اند. نتایج پژوهش حاضر، علاوه بر قضات، برای سایر افراد حقیقی و حقوقی - که در تصمیم‌گیری‌های فردی و سازمانی نیازمند انواع مختلف داوری هستند - نیز مفید است.

گاهی موقعیت‌های پیش‌آمده فرصت پیشگیری را از قضات می‌گیرد ولی مهارت افزایشی در استفاده از معیارها، نشانگرها و مصادیق، موقعیت را در مدیریت قاضی نگه داشته تا به بهترین نحو کنترل و به بهترین سمت هدایت کند. مدیریت موقعیت‌ها، هر چند ممکن است از دایره بایدهای ما خارج باشند ولی بهترین تصمیم، می‌تواند کمترین آسیب‌ها را داشته باشد و آسیب کمتر خود نسبت به آسیب‌های بیشتر به تعالی و موفقیت رفتار حقیقی و حقوقی، نزدیک‌تر است. چرا که به تکلیف خود تا حد امکان عمل کرده‌ایم.

## منابع و مأخذ

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

صحیفه سجادیه.

۱. آمدی، عبد الواحد، ۱۳۶۶، تصنیف غرر الحکم و دزر الکلم، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۲. اباذری فومشی، منصور، ۱۳۹۲، ترمینولوژی حقوق نوین، مشهد، شهید داریوش نوراللهی.
۳. ابن شعبه، حسن، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، قم، اسلامیه.

۴. ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۵. اخوان الصفا، ۱۴۱۲ق، *رسائل اخوان الصفاء*، بیروت، الدار الاسلامیه.
۶. ادیبی مهر، محمد، ۱۳۸۹، *سلوک دادرسی در فرهنگ و تمدن اسلامی*، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۷. ازهری، محمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. اسماعیل صینی، محمود، ۱۴۱۴ق، *المکنز العربی المعاصر*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۹. امیری، محسن و محمدرضا ویژه، ۱۳۹۳، «اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، ش ۳، دوره ۱۸، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ص ۲۶ - ۱.
۱۰. پادشاه، محمد، ۱۳۳۵، *فرهنگ آندراج*، تهران، خیام.
۱۱. تفضلی، احمد، ۱۳۷۷، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران، سخن، چ دوم.
۱۲. توکلی، محمدمهدی، ۱۳۹۵، *نصب داور، احکام و آثار آن*، تهران، میزان.
۱۳. ثقفی، ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *الغارات*، تحقیق سید عبد الزهراء حسینی، قم، دار الکتب الاسلامی.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، *ادب قضا در اسلام*، قم، اسراء.
۱۵. حلوانی، حسین، ۱۴۰۸ق، *نزه الناظر و تنبیه الخاطر*، قم، مدرسه الإمام المهدی علیه السلام.
۱۶. خدانی، وحید و محمداقرا عامری‌نیا، قوام کریمی؛ ۱۳۹۷، «استقلال قضایی در حقوق ایران و انگلیس»، *تحقیقات حقوقی آزاد*، ش ۴۱، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ص ۲۰۸ - ۱۹۱.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.
۱۸. دهقانی، علی، ۱۳۸۸، «استقلال قاضی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانون‌گذاری»، *پژوهش‌های حقوقی*، ش ۱۵، تهران، پژوهشکده حقوقی شهر دانش، ص ۱۰۲ - ۸۳.
۱۹. دیلمی، حسن، ۱۳۶۶، *اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
۲۰. رستگاری، اردشیر، ۱۳۷۸، *تحقیق در مورد علم قاضی و حجیت آن*، سطح ۳ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم.
۲۱. زمخشری، محمود، ۱۹۷۹م، *اساس البلاغه*، بیروت، دار صادر.
۲۲. شهمیری، حسین، ۱۳۸۷، *صفات قاضی*، سطح ۴ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم.
۲۳. شیخ صدوق، محمد، ۱۴۰۳ق، *معانی الاخبار*، قم، اسلامی.

۲۴. شیخ صدوق، محمد، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، قم، اسلامی، چ ۲.
۲۵. صفی پور، عبدالرحیم، بی تا، *منتهی الارب فی لغه العرب*، تهران، سنایی.
۲۶. طوسی، محمد، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الاحکام*، تحقیق حسن خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.
۲۷. عظیمی، مجید، ۱۳۹۰، *صفات قاضی در فقه امامیه*، سطح ۳، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، قم.
۲۸. فرامرزی قراملکی، احد، ۱۳۹۳، *اخلاق حرفه‌ای*، قم، مجنون، چ ۵.
۲۹. فراهیدی، خلیل، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، هجرت، چ ۲.
۳۰. فیض کاشانی، محمد، ۱۴۰۶ق، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۳۱. فیض کاشانی، محمد، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر، چ ۲.
۳۲. قرشی، سید مجتبی، ۱۳۸۷، *علم قاضی در فقه و حقوق*، سطح ۳ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم.
۳۳. کارل، الکسیس، ۱۳۶۲، *انسان موجودی ناشناخته*، ترجمه پرویز دبیری، اصفهان، کتابفروشی تأیید، چ ۶.
۳۴. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۲، *عدالت قضایی گزیده آراء*، تهران، میزان، چ ۴.
۳۵. کراجکی، محمد، ۱۴۰۷ق، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر.
۳۶. کلینی، محمد، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، هران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴.
۳۷. مجذوب تبریزی، محمد، ۱۳۸۷، *الهدایا لشعبه ائمه الهدی*، قم، دارالحديث.
۳۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار علیهم السلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۲.
۳۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۲.
۴۰. محبی، محسن، ۱۳۷۹، «استقلال قاضی، مصونیت یا مسئولیت»، *وکالت*، ش ۴، تهران، سید رضا مهدوی نجم‌آبادی، ص ۱۹ - ۱۵.
۴۱. مدرس، فخر، ۱۳۵۰، «استقلال قاضی»، *ماهنامه قضایی*، سال سیزدهم، تهران، اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی، ص ۱۲ - ۶.
۴۲. مسکویه، احمد بن محمد، ۱۳۵۸، *الحکمه الخالده*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴۳. مفید، محمد، ۱۴۱۳ق، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، دارالمفید.
۴۴. میرداماد، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *التعلیق علی اصول الکافی*، تحقیق مهدی رجائی، قم، الخیام.

۴۵. ناجی جزائری، سید هاشم، ۱۳۹۱، *بایدها و نبایدها در رفتار و کردار قضات*، ترجمه سید حمید اسماعیلی، قم، ناجی جزائری.

۴۶. واحد، شقایق و رضا معبودی نیشابوری؛ ۱۳۹۴، «استقلال و بی طرفی داور؛ ترادف یا تمایز؟ (مطالعه تطبیقی در داوری تجاری بین المللی)»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۱، دوره ششم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۱۲ - ۳۹۳.

۴۷. هروی، ابو عبید، ۱۹۹۰ م، *الغریب المصنف*، تونس، بیت الحکمه.

۴۸. یوسف زاده، مرتضی، ۱۳۹۳، *آیین داوری*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی